«خوب، بد، زشت»

بررسی همه پرسی قانون اساسی جدید در کنیا

همه پرسی قانون اساسی جدید کنیا اواخر ماه نوامبر، در این کشور برگزار شد که براساس نتایج حاصل از آن، حدود ۴۲ درصد مردم موافق و ۵۸ درصد مخالف این قانون بودند. پس لرزه های این پاسخ منفی هنوز هم بر کنیا (در سطحی وسیع) و دیگر کشورهای قاره آفریقا (به صورت محدود) احساس می شود. براین اساس، نگاهی کلی به ابعاد مختلف این همه پرسی خالی از لطف نیست:

زشت

می توان گفت تغییرات مندرج در قانون اساسی جدید، هم دارای جنبه های مثبت است و هم منفی. از جمله، تغییرات به وجود آمده در قوانین «مالکیت زمین» است. از گذشته های دور تا به امروز، طبق سنت رایج در کنیا، زنان حق تملک بر زمینها را ندارند؛ حتی زمانی که برای اموال یک زن در قبایل کنیا تصمیم گیری می شود، یکی از افراد ذکور منتسب به وی، جای آن زن در جلسه حضور پیدا می کند. این سنت، در جامعه مدرن کنیا به قانون تبدیل شد. در قانون اساسی جدید، پیش بینی شده بود زنان کنیایی هم می توانند قطعه زمینی را به نام خود ثبت کنند؛ البته تنها در مواردی که زمین به آنان به ارث رسیده است، که این موضوع نیز می بایست مطابق قوانین موروثی کنیا باشد.

شاید بسیاری از زنان کنیایی موافق طرح جدید مالکیت زمین بوده باشند، اما آیا مردان این کشور هم از آن استقبال کردند؟

از جمله نهادهای پیش بینی شده در قانون اساسی جدید، «کمیسیون زمین» بود که وظیفه مدیریت و نظارت بر «باز توزیع» زمینها را به عهده داشت. در واقع، کمیسیون زمین به عنوان «نگهبان حقوق بشر» تلاش دارد سرزمین های گروههای قومی را به آنها بازگردانند و به وضعیت افرادی که ناعادلانه املاک خود را از دست داده اند، رسیدگی کند.

- براساس قوانین جدید، زمینها به ۳ دسته «حکومتی، شخصی و گروهی» تقسیم می شدند و به کمیسیون زمین اجازه داده می شد املاک را باز توزیع کند؛ بدان معنا که کمیسیون مذکور، صلاحیت رسیدگی به اختلافات شاکیان را داشته باشد و در صورت صلاحدید، حتی بتواند مالک زمین را نیز تغییر دهد. از آنجا که مناطق نسبتاً وسیعی از کنیا در اختیار سفیدپوستان و خارجی هاست، این قانون می توانست ثمرات مثبتی برای سیاهان در پی داشته باشد و مقدار قابل توجهی از املاک به صاحبان اصلی سیاهپوست آنها بازگردانده شود.

از سوی دیگر، نگرانی هایی نیز درباره کمیسیون مذکور وجود داشت. عده ای معتقد بودند در صورت تسلط افراد با نفوذ (بویژه سفیدپوستان) به کمیسیون زمین و تأثیر ایشان به نظرات گروه، وضعیت سیاهپوستان و افراد بدون زمین از حالت فعلی نیز وخیم تر می شود و اقتصاد کنیایی ها با مشکلات مضاعفی مواجه خواهد شد.

از طرف دیگر، ترس از تکرار تجربه «زیمبابوه» وجود داشت. پس از آن که «رابرت موگابه» رئیس جمهوری زیمبابوه، با شعار حمایت از سیاهپوستان، زمینهای زراعی تحت تملک خارجی های ساکن در زیمبابوه را در اختیار سیاهان قرار داد، «بحران زمین» در این کشور آفریقایی به وجود آمد؛ زیرا بسیاری از سیاهپوستان که بر زمینها تسلط پیدا کرده بودند، توان مالی تولید و کشت محصولات کشاورزی را نداشتند و اقتصاد زیمبابوه با مشکلات عظیمی مواجه شد.

حال، با فرض موفقیت آمیز بودن طرح «کمیسیون زمین» در کنیا، چه تضمینی برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم وجود داشت؟

- از نظر موضوعات مطرح در قانون جدید، موضوع «دادگاههای مذهبی» بود. براساس قانون اساسی فعلی کنیا، تنها دادگاه مذهبی موجود در این کشور «دادگاه اسلامی» است. اجازه تأسیس دادگاه اسلامی به توافق میان کنیا و حکومت پادشاهی زنگبار باز می گردد. در سالهای دور، تعدادی از سرزمینهای مجاور اقیانوس هند که توسط حکومت زنگبار اداره می شدند، پس از توافق میان کنیا و پادشاهی زنگبار، تحت حاکمیت کنیا درآمدند. از آنجا که بیشتر ساکنین این سرزمینها را مسلمانان تشکیل می دادند، براساس توافق نامه، کنیایی ها موظف شدند مردم آن مناطق را تنها در دادگاههای اسلامی و مطابق قوانین دین خود محاکمه کنند. این قانون که سود سرشاری برای پیروان محمد (ص) به همراه داشت و تا به امروز نیز باقی مانده، باعث نارضایتی پیروان سایر مذاهب شده است.

با این تفاسیر، کنیایی ها معتقد به ادیان دیگر (بویژه مسیحیان و هندوها) طی سالهای گذشته، همواره به دنبال تأسیس دادگاههایی مطابق شرع خود بودند. در قانون اساسی جدید کنیا، برای پیروان سایر مذاهب (علاوه بر اسلام) نیز اجازه تأسیس دادگاه منطبق با قانونی شرعی ایشان پیش بینی شده بود.

در مقابل موافقان این بند از قانون، مخالفان، آن را سرچشمه اختلافات آینده میان گروههای مختلف مذهبی می دانستند. البته برخی نیز آن را حربه ای برای محدود کردن قدرت مسلمانان می پنداشتند.

بیشترین حرف و حدیث ها درباره تغییرات سیاسی قانون اساسی جدید بود؛ نزاعهایی که به سالها قبل یعنی پیش از اتمام دوران ریاست جمهوری «دانیل ارپ موبی» باز می گردد. سیاستمداران کنیایی در برابر این تغییرات سیاسی به دوگروه تقسیم می شدند؛ گروهی اعتقاد داشتند قدرت اصلی در حکومت می بایست در اختیار پارلمان وشخص نخست وزیر باشد. استدلال آنها، توجه به نقش نمایندگان پارلمان و انتخاب مستقیم ایشان توسط مردم بود. البته دلیل اصلی این گروه، مخالفت با حکومت دیکتاتوری «ارپ موبی» بود؛ زیرا در طرف مقابل، گروه طرفداران «موبی» قرار داشتند با این اعتقاد که قدرت اصلی می بایست در اختیار رئیس جمهور باشد؛ زیرا او هر ۵ سال با رأی مستقیم مردم برگزیده می شود و رئیس دولت است.

اختلاف این دوگروه در زمان ریاست جمهوری موبی به اوج خود رسید؛ تا بدانجا که حتی بر سر پیش نویس قانون اساسی نیز به توافق نرسیدند و این قانون از تصویب پارلمان هم نگذشت. پس از آنکه موبی به دلیل حضور در دوره های ریاست جمهوری سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷ و مطابق قانون اساسی، حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ را پیدا نکرد، به نوعی، حکومت ۲۴ ساله او بر کنیا نیز پایان یافت و حیات سیاسی تازه این کشور آفریقایی آغاز شد.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، «موآیی کی باکی» نامزد ائتلافی به نام «رنگین کمان ملی» با حمایت اکثریت، به عنوان سومین رئیس جمهوری تاریخ کنیا انتخاب شد. در این انتخابات، دوحزب قدرتمند «NAK» («کی باکی» عضو این حزب بود) و «LDP» (لیبرال دموکراتها) ائتلاف رنگین کمان ملی را به وجود آوردند و پیروز میدان شدند. پس از روی کار آمدن کی باکی، تغییرات قانون اساسی روند تازه ای پیدا کرد. او و یارانش که دیگر قدرت را در دست داشتند، خواهان اختیارات بیشتر رئیس جمهور شدند. ائتلاف NAK و دیگر احزاب طرفدار قدرت بیشتر برای رئیس جمهور، سمبل «موز» را برای تبلیغات خود برگزیدند. در سوی مقابل، عده ای با اعلام آنکه کی باکی به دنبال کسب قدرت بیشتر و تبدیل حکومت خود به دیکتاتوری است، بنای مخالفت با او را گذاشتند و خواستار نقش و قدرت بیشتر برای نخست وزیر و پارلمان در قانون اساسی جدید شدند. رهبر این گروه، «رایلا اودینگا» ازحزب LDP بود. او که به عنوان وزیر راه و ساختمان در دولت کی باکی حضور داشت، حمایت ۶ عضو دیگر دولت را نیز به همراه خود داشت. مخالفان قانون اساسی جدید، نماد «پرتقال» را برای خود برگزیدند.

در قانون اساسی جدید، پیش بینی شده بود زنان کنیایی هم می توانند قطعه زمینی را به نام خود ثبت کنند؛ البته تنها در مواردی که زمین به آنان به ارث رسیده است، که این موضوع نیز می بایست مطابق قوانین موروثی کنیا باشد.

سرانجام قانون اساسی جدید با حمایت «موز» به رهبری کی باکی، برمبنای اختیارات وسیعتر برای رئیس جمهور تدوین و تقدیم مجالس قانونگذاری کنیا شد. مخالفت «پرتقال ها» هم ثمری در پی نداشت و قانون اساسی از تصویب پارلمانها گذشت تا در برابر «مردم» کنیا به همه پرسی گذاشته شود. در اینجا بود که پاسخ منفی کنیایی ها به قانون جدید، شوک بزرگی به دولتمردان، بویژه شخص رئیس جمهور وارد کرد.

به دنبال آن، کی باکی دولت خود را منحل اعلام و تمامی وزیران و معاونین رئیس جمهور را از کار برکنار کرد. در تاریخ ۲۳ نوامبر، رئیس جمهوری کنیا اعلام کرد ظرف ۲ هفته، «دولت جدید خود را با هدف «خدمت بهتر به مردم» معرفی خواهد کرد. در فاصله زمانی تا اعلام اسامی دولت جدید، رئیس جمهور با مخالفان قانون اساسی و رهبران آنها که به نوعی پیروز همه پرسی شناخته می شدند، مذاکرات طولانی برگزار کرد. بسیاری امیدوار بودند کی باکی با قراردادن نام چندتن از مخالفان، در دولت جدید، سیاستمداران طیف مقابل و طرفداران آنها را راضی کند؛ اما با اعلام اسامی اعضای دولت در ۸ دسامبر، واقعیت بر همگان آشکار شد.

در دولت جدید، تنها ۴ کرسی به احزاب مخالف اختصاص داده شده است: ۲ عضو از حزب KANU و ۲ عضو از حزب FORD (معروف به حزب مردم)؛ یعنی کی باکی هیچ کدام از ۷ وزیر مخالف در دولت پیشین خود را به همکاری مجدد دعوت نکرده است. با این اوصاف و با اتفاقاتی که در مراسم تحلیف دولت جدید به وجود آمده است، بی شک، حوادث پیش روی مردم و دولت کنیا در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

شاید تمام قضایا، اقتضای سیاست باشد، اما در نگاه مردم کنیا، ناپسند و «زشت» آمده است. بسیاری از شهروندان براین باورند که بازی سیاستمداران بر سر «قدرت» را به تماشا نشسته اند. عده ای که در زمان رئیس جمهور موبی، به خاطر مخالفت با دیکتاتوری او، موافق حکومت پارلمانی و نقش پررنگ تر نخست وزیر بودند، اکنون با در دست گرفتن زمام دولت و تنها پس از گذشت ۳ سال، تغییر موضع داده و برای حفظ جایگاه خود، قدرت کامل را برای رئیس جمهور می خواهند! و نتیجه آن، کشته شدن ۹ فرد عادی در رقابت همه پرسی بوده است.

آری! سیاست، این چنین است.

بد

شاید بدی این ماجرا در آن قسمت است که پس از گذشت ۴۲ سال از تاریخ استقلال کنیا، هنوز مردم این کشور نمی توانند قانون اساسی جدیدی برای خود تدوین کنند. با توجه به آرای مردم در همه پرسی اخیر، دست کم تا چندسال آینده، باید با همان قانون پیشین به اداره کشور خود بپردازند.

کسانی که با آفریقایی ها ارتباط دارند، به خوبی می دانند روحیه آنان با نام «استعمار» سازگار نیست؛ یعنی در حالی که واقعیت موجود را می پذیرند که در گذشته نه چندان دور، تحت سوءاستفاده کشورهای غربی قرار داشته اند، تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا دیگر نام مستعمره بر کشور آنها نباشد. حال، با وضع موجود، عده ای با مخالفان قانون اساسی و رهبران آنها که به نوعی پیروز همه پرسی شناخته می شدند، مذاکرات طولانی برگزار کرد. بسیاری امیدوار بودند کی باکی با قراردادن نام چندتن از مخالفان، در دولت جدید، سیاستمداران طیف مقابل و طرفداران آنها را راضی کند؛ اما با اعلام اسامی اعضای دولت جدید، تنها ۴ کرسی به احزاب مخالف اختصاص داده شده است: ۲ عضو از حزب KANU و ۲ عضو از حزب FORD (معروف به حزب مردم)؛ یعنی کی باکی هیچ کدام از ۷ وزیر مخالف در دولت پیشین خود را به همکاری مجدد دعوت نکرده است. با این اوصاف و با اتفاقاتی که در مراسم تحلیف دولت جدید به وجود آمده است، بی شک، حوادث پیش روی مردم و دولت کنیا در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

شاید تمام قضایا، اقتضای سیاست باشد، اما در نگاه مردم کنیا، ناپسند و «زشت» آمده است. بسیاری از شهروندان براین باورند که بازی سیاستمداران بر سر «قدرت» را به تماشا نشسته اند. عده ای که در زمان رئیس جمهور موبی، به خاطر مخالفت با دیکتاتوری او، موافق حکومت پارلمانی و نقش پررنگ تر نخست وزیر بودند، اکنون با در دست گرفتن زمام دولت و تنها پس از گذشت ۳ سال، تغییر موضع داده و برای حفظ جایگاه خود، قدرت کامل را برای رئیس جمهور می خواهند! و نتیجه آن، کشته شدن ۹ فرد عادی در رقابت همه پرسی بوده است.

آری! سیاست، این چنین است.

بد

شاید بدی این ماجرا در آن قسمت است که پس از گذشت ۴۲ سال از تاریخ استقلال کنیا، هنوز مردم این کشور نمی توانند قانون اساسی جدیدی برای خود تدوین کنند. با توجه به آرای مردم در همه پرسی اخیر، دست کم تا چندسال آینده، باید با همان قانون پیشین به اداره کشور خود بپردازند.

کسانی که با آفریقایی ها ارتباط دارند، به خوبی می دانند روحیه آنان با نام «استعمار» سازگار نیست؛ یعنی در حالی که واقعیت موجود را می پذیرند که در گذشته نه چندان دور، تحت سوءاستفاده کشورهای غربی قرار داشته اند، تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا دیگر نام مستعمره بر کشور آنها نباشد. حال، با وضع موجود، عده ای با مخالفان قانون اساسی و رهبران آنها که به نوعی پیروز همه پرسی شناخته می شدند، مذاکرات طولانی برگزار کرد. باقی ماندن قانون برای خیلی از مردم کنیا (در درازمدت) آسان و قابل قبول نیست.

از سوی دیگر، کنیا از جامعه کشورهای سواحیلی* است. این کشورها به دلیل قرار گرفتن در همسایگی یکدیگر، داشتن اشتراکات فرهنگی بسیار و از همه مهمتر، زبان یکسان (زبان سواحیلی)، تأثیرات غیرقابل انکاری بر یکدیگر دارند. اکنون که قانون جدید در کنیا به تصویب نرسید، توجه مردم دیگر کشورهای سواحیلی را به سوی تحولات آینده در کشورهای خودجلب می کنند؛ یعنی به دلیل آنکه در سالهای آتی، «قوانین اساسی این کشورها نیز، به طور قطع دستخوش تغییر خواهد شد، حساسیت مردم برای بررسی کامل همه پرسی ها بیشتر خواهد بود. چه بسا، همین موضوع، باعث تعویق رفراندوم های آینده و دقت بیشتر مسؤولین حکومتها شود و موجبات منفعت هرچه بیشتر برای مردم را در پی داشته باشد.

خوب

از حق نگذریم، بخش بعدی از ماجرا هم زیباست؛ آنجا که بدانیم مردم کنیا، حرف آخر را در سرنوشت خود می زنند و آنجا که بدانیم برای این سرنوشت، ارزش والایی قائل هستند. آنها نمی خواهند دوباره اسیر تقدیر باشند، پس با توجه خاص و رأی منفی خود، دولتمردان کنیا را به زانو درآوردند. زیباتر آنکه دولتمردان هم با پاسخ مردم، دیگر مانند سالهای استعمار، تلاش نکردند مردم را تغییر داده و فریادها را سرکوب کنند؛ بلکه خود را متحول و اصلاح کردند. سمبل اصلاح دولتمردان، صحبت های رئیس جمهور کی باکی پس از پاسخ منفی مردم کنیا بود: «به دنبال نتایج همه پرسی، برای من لازم شده است به عنوان رئیس جمهور این کشور، حکومت خود را بازسازی کنم تا آن را برای خدمت به مردم کنیا توانا تر سازم.»

***

اگر مردم فرانسه با رأی منفی خود به قانون اساسی جدید اروپا، موجی از نگرانی های میان دولتمردان قاره سبز پدید آوردند؛ پاسخ منفی مردم کنیا به قانون اساسی جدید خود، شادی را میان ساکنین قاره سیاه به وجود آورد. شاید این اتفاقات برای همه دولتمردان ناگوار بود، اما ثابت کرد مردم دنیا، چه در اروپا و چه آفریقا، سیاه یا که سفید، در قرن جاری «همصدا» فریاد می زنند: «زنده باد آزادی».

*کشورهای واقع در شرق و مرکز قاره آفریقا را «سواحیلی» (Swahili) می نامند.

هادی جرقوئیان

نگرانی تاآویو از اولویت های بوش

منبع: سایت اینترنتی «رویاهای مشترک» - برگردان: پوراندخت مجلسی

اگرچه به نظر می رسد که واشنگتن از اینکه سه کشور اروپایی (EU۳) و روسیه در مذاکره با ایران ابتکار عمل را در دست گرفته اند، خوشنود است، اسرائیل بیشتر نگران این امر است که تهدید واشنگتن به تحریم اقتصادی بین المللی علیه ایران و یا حمله به اهدافی در ایران که مشکوک به داشتن فعالیت برای دستیابی به سلاح های اتمی هستند، به تدریج اعتبار خود را از دست بدهد.

نخست وزیر «آریل شارون» هم که حزب جدیدی تأسیس کرده است و انتظار دارد در انتخابات سال آینده بیشترین رأی را کسب کرده و دولتی قدرتمند تشکیل دهد، به شدت نگران سیاست سوق دادن ناحیه خاورمیانه به طرف دموکراسی به وسیله واشنگتن است. از نظر اسرائیل، سیاست آمریکا، خطر قدرت بخشیدن به گروه هایی را دارد که حتی از حکومتهای خودکامه کنونی که اسرائیل با آنها مخالف است، خصومت بیشتری نسبت به اسرائیل داشته باشند. برای نمونه، قدرت نمایی نامزدهای وابسته به اخوان المسلمین، در انتخابات مصر، که اسرائیل با آن به صلح رسید، به نظر می رسد به ویژه تهدیدی جدی باشد.

این نظر که شارون از سیاست بوش در منطقه ناراضی است، طبیعتاً این نظر را که اسرائیل، اگر نه نفوذی قاطع، که نقشی اساسی در سیاست واشنگتن در خاورمیانه دارد، مورد تردید قرار می دهد، به ویژه در دولت بوش پس از حمله سپتامبر ۲۰۰۱، که امنیت اسرائیل از نظر نومحافظه کاران اصلی اساسی در نظر گرفته می شود.

نومحافظه کاران به این نظر خود پایبندند که امنیت اسرائیل باید به بهترین وجهی تضمین شود، اما با شیوه هایی که با نظرات جناح راست حزب لیکود ـ حزبی که اخیراً شارون از آن کناره گرفت ـ نزدیکتر است تا دولتی که سیاست های آن از نظر آنها، زیاده صلح جویانه و نرم باشد. بنابراین در حالی که شارون را به سرکوب و سختگیری شدید نسبت به انتفاضه دوم فلسطین تشویق می کنند، از او به خاطر بیرون آمدن از غزه روی گردان شده اند.

به رغم افت تدریجی نفوذ نومحافظه کاران در دولت بوش از زمان تهاجم به عراق، آنان در دو سال گذشته به شدت به اعمال نفوذ برای «تغییر رژیم» در سوریه دست زده اند که در صورت لزوم همراه خواهد بود با عملیات محدود نظامی برای تحقیر بشار اسد و مجازات او به خاطر ناتوانی ادعایی او در ممانعت از عملیات شورشیان عراق و «جنگجویان خارجی» از طریق سوریه. آنها از طرف همان تندروهایی حمایت می شوند که از تهاجم به عراق حمایت کردند به ویژه «دیک چنی» معاون ریاست جمهوری آمریکا و بعضی از مقامهای پنتاگون. در سال گذشته، نومحافظه کاران به این استدلال پرداخته اند که «تغییر رژیم بعثی سوریه» کوشش های آمریکا برای گسترش دموکراسی در منطقه را شدت می بخشد، به ویژه برای پیش بردن عقب نشینی نیروهای نظامی و نیروهای امنیتی دمشق از لبنان پس از ترور «رفیق حریری» نخست وزیر پیشین لبنان در ماه فوریه.

بررسی و تحقیق سازمان ملل متحد درباره ترور رفیق حریری که انگشت اتهام را به سوی سوریه نشانه رفته است، کسانی را که در دولت بوش موافق «تغییر رژیم» در سوریه هستند، قدرت بخشیده است، ولی اسرائیل که تحلیلش از اوضاع سوریه، انعکاس از نظرات کارشناسان سازمان مرکزی اطلاعاتی آمریکا (سیا) و وزارت خارجه آمریکاست، در این مورد احتیاط بیشتری به خرج داده است.

به همه اینها، هرج و مرجی را باید اضافه کرد که به نظر می رسد در عراق در حال گسترش است و برخوردهای فرقه ای که ممکن است سوریه و حتی لبنان را فراگیرد. در نظر اسرائیلی ها، هم مخالفان داخلی سکولار حافظ اسد و هم دشمنان تبعیدی اش، به ویژه «فرید قدری» که مورد نظر نومحافظه کاران است، زیاده از حد ضعیفند و غیرمتشکل و نمی توانند تعداد زیادی از طرفداران خود و یا نیروهایی را که به شدت مخالف اسد هستند، سازماندهی کنند. برای آنها، طبق روایتی در «فوروارد» (نشریه اصلی یهودیان آمریکا)، است تنها کسی است که می تواند نظم و آرامش سوریه را حفظ کند.

«لئون هادار» یک کارشناس متولد اسرائیل که کتاب اخیر او، «توفان شن» (Sandstorm) بحثی است درباره کم شدن نقش و حضور آمریکا در منطقه می گوید: «به نظر می رسد وضع موجود در سوریه برای اسرائیل از همه سناریوهای دیگر کمترین زیان را داشته باشد، زیرا رهبری ضعیف و ناتوان همچون بشار اسد قادر نیست کار زیادی علیه اسرائیل انجام دهد.» او می گوید: «منافع کوتاه مدت و درازمدت اسرائیل به وضوح این است که هرج و مرج و آشوب نه در لبنان به وجود بیاید و نه در سوریه، آن هم با آن همه مشکلاتی که باید در ساحل غربی و غزه با آن دست و پنجه نرم کرد.»

اگرچه دولت اسرائیل از فعال شدن دولت بوش در مورد «تغییر حکومت» در سوریه هراس دارد، خیلی بیشتر نگران بی تفاوتی آن نسبت به برنامه ادعایی هسته ای ایران است. این امر به ویژه به خاطر سخنان «محمود احمدی نژاد» رئیس جمهوری ایران علیه اسرائیل بیشتر به چشم می خورد. طبق یک برآورد (ادعا) اطلاعات نظامی اسرائیل، چنین برنامه ای می تواند تا مارس آینده برگشت ناپذیر و غیرقابل جبران باشد.

گفته می شود که مقام های اسرائیلی، طرف آمریکایی شان را به خاطر موافقت آنها با تأخیر در تحت فشار قرار دادن آژانس بین المللی اتمی برای ارجاع موضوع ایران به شورای امنیت که ممکن است به تحریم اقتصادی این کشور بینجامد، مورد ملامت قرار داده اند. واشنگتن ظاهراً موافقت کرده است که ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت به تأخیر بیفتد تا سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا معروف به (EU۳)، امکان یابند پیشنهاد روسیه را به منظور حل مسأله غنی سازی اورانیوم، به ایران ارائه دهند و درباره آن به مذاکره بپردازند.

ناراضیتی اسرائیل از آمریکا همزمان است با انتقادی بی سابقه نسبت به دولت جورج بوش از سوی لابی قدرتمند صهیونیستی در واشنگتن، یعنی کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل. «آیپک» که به ویژه در کنگره آمریکا دارای نفوذ است، اخطار کرده که «تأخیر بیشتر در مورد ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت خطری جدی برای ایالات متحده و متحدان ما دربردارد و به زیان منافع آمریکا و اسرائیل است.»

طبق گزارش روزنامه فوروارد، اسرائیلی ها از این که دولت بوش نسبت به معامله جدید روسیه با ایران، یعنی فروش موشک هایی به ارزش یک میلیارد دلار به این کشور ـ که می تواند برای حفظ تأسیسات اتمی ایران و علیه حمله احتمالی موشکی به آن به کار رود ـ اعتراض شدیدی نکرده است، یکه خورده اند.

آنها همچنین از اعلام اینکه «ژالمای خلیل زاد»، سفیر آمریکا در بغداد از طرف رئیس جمهور مأمور شده است مذاکرات مستقیمی با ایران در مورد مشکلات عراق انجام دهد، ناراضی اند.

اسرائیلی ها و حامیان آنها ترس از این دارند که نیاز واشنگتن به همکاری تهران در تثبیت وضع عراق، یعنی فراهم آمدن شرایطی که آمریکا بتواند بیشتر نیروهایش را از این کشور بیرون ببرد، باعث تضعیف اعمال فشار دولت آمریکا برای عملیات جدی تری علیه ایران در مورد فعالیت های اتمی این کشور شده باشد. حتی با این وجود که آمریکا اصرار دارد دسترسی ایران به قدرت اتمی «غیرقابل قبول» است.

موسسه فرهنگی و تبلیغاتی ایران
ایران
برگه اشتراک ویژه تهران
موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران برای تمامی نشریات در حال انتشار خود مشترک می پذیرد
علاقه مندان به اشتراک و دریافت روزانه هر یک از نشریات روزنامه ایران شامل: روزنامه ایران، روزنامه ایران ورزشی، روزنامه ایران دیلی (انگلیسی زبان)، روزنامه الوفاق (عربی زبان)، روزنامه ایران سپید (ویژه نابینایان) و ماهنامه ایران آذین می توانند پرسشنامه زیر را تکمیل و بر اساس «جدول مندرج در آن هزینه اشتراک خود را به حساب جاری سیبا ۰۱۱۰۱۲۳۴۰۰۹ بانک ملی شعبه کسری کد ۱۸۵ به نام «موسسه شهرستانهای ایران» 0101101242009 پرداخت کرده و اصل رسید را به همراه پرسشنامه تکمیل شده با پست سفارشی به نشانی: تهران، تقاطع مطهری و سهروردی شمالی، کوچه بیشه، شماره ۹ اداره مشترکین ارسال نمایند.

نام: نام خانوادگی: تاریخ تولد: / /
نام شرکت یا موسسه:
نشانی:
کدپستی الزامی است: تلفن تماس: تعداد و نام نشریه مورد تقاضا:
نوع درخواست: اشتراک جدید: ☐ تجدید اشتراک: ☐

هزینه اشتراک نشریه مورد تقاضا	۳ ماهه (ریال)	۶ ماهه (ریال)	یکساله (ریال)
ایران	۵۵/۰۰۰ ☐	۱۱۰/۰۰۰ ☐	۲۲۰/۰۰۰ ☐
ایران ورزشی	۷۰/۰۰۰ ☐	۱۴۰/۰۰۰ ☐	۲۸۰/۰۰۰ ☐
ایران دیلی	۷۰/۰۰۰ ☐	۱۴۰/۰۰۰ ☐	۲۸۰/۰۰۰ ☐
الوفاق	۷۰/۰۰۰ ☐	۱۴۰/۰۰۰ ☐	۲۸۰/۰۰۰ ☐
ایران سپید	۹۷/۵۰۰ ☐	۱۹۵/۰۰۰ ☐	۳۹۰/۰۰۰ ☐
ایران آذین	۳۵/۰۰۰ ☐	۷۰/۰۰۰ ☐	۱۴۰/۰۰۰ ☐

مشترک شماره: شروع اشتراک: پایان اشتراک:
شماره مجوز: تاریخ پرداخت:

تذکر: ۱- ارسال نشریه برای درخواستهایی که تا دهم و بیستم هر ماه به امور مشترکین برسد به ترتیب از شانزدهم آن ماه و اول ماه بعد آغاز می شود.
۲- هزینه اعلام شده بابت یک نسخه و یک نوع نشریه است.
۳- لطفاً رسیدهای پرداختی پستی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگهدارید.
۴- در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایید.
۵- تلفن های امورمشترکین موسسه ایران ۸۸۴۱۵۸۶۶ و ۸۸۴۱۷۷۱۵ ساعت تماس (۱۶-۸)، تلفکس: ۸۸۴۱۰۶۷۳
۶- برای تمدید اشتراک فقط کافیست بر روی فیش بانکی کد اشتراک خود را نوشته و با شماره ۸۸۴۱۰۶۷۳ فاکس و یا به نشانی فوق ارسال نمایید.
۷- نوشتن کدپستی دقیق الزامی است در صورت دادن اطلاعات نادرست و ناقص عواقب آن به عهده مشترک می باشد.
۸- مشترکین محترم می بایست شروع اشتراک و پایان اشتراک و همچنین کد اشتراک خود را به یاد داشته تا پیگیری امور مربوط به آنها آسان گردد.
۹- در صورت عدم دریافت نشریه در اولین روز اشتراک مراتب را به اداره مشترکین اطلاع دهید در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می شود.
۱۰- مشترکین محترم در صورت تمایل به تمدید مجدد می بایست ۱۰ روز قبل از اتمام تاریخ اشتراک فیش بانکی را به همراه کد اشتراک به اداره مشترکین فاکس و یا به نشانی فوق پست نمایند. در صورت عدم تمدید در فاصله تعیین شده به منزله انصراف از اشتراک در نظر گرفته می شود.
۱۱- مشترکین محترم می توانند همزمان با تکمیل فرم اشتراک به عضویت باشگاه خوانندگان روزنامه ایران درآیند و از مزایای آن استفاده کنند. در صورت تمایل موافقت خود را اعلام فرمایید. موافقم ☐ موافق نیستم ☐
اداره مشترکین - موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران